ساخت سد سیوند و زیر آب رفتن آثار باستانی ایران در گفت وگو با دکتر پرویز ورجاوند

خبری دردناک برای ایران دوستان این روزها منتشر شده که از چند ماه دیگر سد سیوند واقع در کیلومتری تخت جمشید آغاز به آبگیری می کند و با آن چند اثر بسیار مهم تاریخی ایران که از میراث فرهنگی جهان به شمار میروند به زیر آب خواهند رفت، از جمله پاسارگاد با آرامگاه کوروش آن. کارشناسان می گویند که پس از آبگیری سد سیوند تخت جمشید نیز به تدریج فرو خواهد ریخت. تلاشهایی از سوی باستان شناسان و مدافعان حقوق بشر در جهت برانگیختن مسؤولان امر به چشم پوشی از این طرح انجام گرفته است، اما تاکنون بی نتیجه بوده است. در رابطه با اینکه چرا مقامات دولتی در برنامه ریزیهای عمرانی خود با مسؤولان سازمان حفظ میراث فرهنگی مشورت نمی کنند دویچه وله (صدای آلمان) از دکتر پرویز ورجاوند، باستان شناس و وزیر فرهنگ پیشین ایران، در کابینه دولت مهدی بازرگان، دعوت مصاحبه کرد.

○ دویچه وله: آقای دکتر پرویز ورجاوند، شما کی و چگونه از طرح ساخت سد سیوند آگاه شدید؟ منظورم از این سوال اینست که چرا اینقدر دیرهنگام و حالا که تصمیم ها گرفته شده، این موضوع به بحث عمومی تبدیل شده است؟

پرویز ورجاوند: این یک معضل بزرگی ست که طی چندین دهه، شاید از آغاز زمان حرکت نوسازی در ایران در طی ـ دهه گذشته تا بحال، این مشکل فراروی جایگاههای باستانی در ایران بوده است. یعنی اینکه در تمامی طول دوران گذشته و تا به امروز مسئله حفظ میراث فرهنگی جایگاههای باستانی و تاریخی بعنوان یک اصل مسلم و بعنوان سرآغاز هر اقدام عمرانی هیچگاه مورد توجه نبوده است. شما وقتی برنامه های توسعه جمهوری اسلامی را نگاه بکنید، غیر از برنامه ی چهارم، که اگر اشتباه نکنم در مورد به مسئله میراث فرهنگی در آن اشاره شده، در سه برنامه ی نخستش در پیوند با مسئله ی آثار باستانی و میراث فرهنگی ایران هیچ ذهنیتی را نمی بینید. همانطور که در برنامه ی این دولت نهم هم، نه در جریان انتخابات، نه در جریان پس از انتخابات و در برنامه آن چیزی که به ذهن آقایان نرسیده و قبول ندارند که به آن بپردازند، پدیده ی پاسداری از میراثهای فرهنگی ایران است. در تمام دنیا، حتا کشورهایی که دارای یک پیشینه گسترده و کهنی نظیر ایران نیستند، این ضابطه وجود دارد که هر فعالیت عمرانی در مرحله ی آغازشدنش باید با واحدهایی که کار پاسداری از میراث فرهنگی را برعهده دارند هماهنگ بشود. یعنی وزارت راه و وزارت نیرو برای سدسازی و راهسازی و برای هر نوع فعالیت عمرانیدیگر باید از مرحله آغاز کار و تعیین مسیر و مکان یابی برای جلوگیری از لطمه خوردن به جایگاههای باستانی از گروههای باستانشناس بهره بگیرند. سالهاست ما ناگزیریم که شهرک های مختلف و یا شهرهای اقماری را در کنار شهرهای بزرگ ایران بوجود بیاوریم برای اینکه سرریز شهرهای بزرگ را به آنجا منتقل کنیم. وقتی میخواهداین مکان یابی صورت بگیرد، باید در کنار هیات شهرسازی ای که مسایل را از بعد شهرسازی و جغرافیایی بررسی می کند، بی برو برگرد باید یک گروه باستان شناس همراهش باشد تا به آنها توجه بدهد. منطقه را بررسی کند و با گمانه زنیها تعیین کند که کجا اثر وجود دارد و باید چه مقدار جابجایی بکنند تا اینکه روی این جایگاهها دست به ساخت و ساز نزنند. مسئله ای که مهم است عبارت از اینست که ایران سرزمینی است گسترده که آثار باستانی و میراثهای فرهنگی کهنسالی در این گستره ی عظیم پراکنده است. بنابراین، امکان این را ندارد که بشود تمام این مکانها را مورد بررسی جامع قرار داد و جایگاههایی را که شناسایی می شود کاوش کرد و آثارش را بیرون آورد. به این اعتبار ناگزیر باید دستگاههای عمرانی همزمان با دستگاه میراث فرهنگی هماهنگی ایجاد کنند از مرحله ی بررسی، نه از مرحله ی بعد از اجرا. گرفتاری داستانی مثل سد "سیوند" مربوط به اینست که سد زده می شود، می خواهد دریاچه آبگیری بشود، تازه امروزمتوجه می شوند که پشت سر این سد و این گستره ای که زیر آب خواهد رفت آثار متعددی مربوط به چندین هزار سال پیش تا به امروز قرار دارد.

○ دویچه وله: پس آقای ورجاوند سازمان میراث فرهنگی پس از اجرای طرح ساخت سد سیوند بوده که متوجه این طرح شده است؟

پرویز ورجاوند: سازمان میراث فرهنگی از زمانی به تکاپو افتاده که مرحله ی اجرایی کار سد آغاز شده و مسئله اینست که حالا یک گستره ای بصورت دریاچه بوجود خواهد آمد و این گستره ی پشت سر می تواند بخشهایی که احتمال زیاد دارد جایگاههای باستانی و پیش از تاریخی در آن وجود داشته باشد را زیر آب ببرد.

○ دویچه وله: آقای دکتر ورجاوند، رییس سابق سازمان میراث فرهنگی، آقای مرعشی، گفته اند که سدسازی لازمه ی تمدن امروز و آینده است و فردا را نمی توان فدای وجود و حفظ آثار گذشتگان کرد. پاسخ شما به این حرف چیست؟

پرویز ورجاوند: ایشان بهتر است که در چارچوب شناخت و اطلاعات خودشان سخن بگویند. کسانی که به مسئله ی حفظ میراث فرهنگی و آثار باستانی توجه دارند، هیچگاه توجه شان را از حرکت موثر در زمینه ی کارهای عمرانی و نیازهای کشور دور نمی دارند و اینرا واقع بینانه معتقدند که در برخی از موارد ناگزیر خواهند بود که به اعتبار نیازهای عمرانی کشور به برخی از مشکلات در پیوند با آثار باستانی تن دربدهند. ولی نکته ای که اینجا مطرح است عبارت از اینست که، همانطور که در آغاز اشاره کردم، کارهای عمرانی از مرحله ی بررسی و تصمیم گیری، اگر در چارچوب همگامی با گروههای باستان شناسی صورت بگیرد، در جریان تهیه طرح و پروژه می شود با اعتبار اظهارنظرهای علمی باستان شناسان تغییرات و جابجایی هایی را در مورد پروژه های عمرانی بوجود آورد که هم آن پروژه به مرحله ی اجرا دربیاید و درست اجرا بشود و هم اینکه بتوان تا حد ممکن بخشهای قابل ملاحظه ای از آثار را از انهدام و نابودی نجات داد. بنابراین، بحث در این است که برای اقدامهای عمرانی مختلف و گسترده چگونه باید عمل کرد که هم آن کار عمرانی درست صورت بگیرد و هم لطمه ی کمتری به میراثهای فرهنگی و آثار باستانی وارد بیاید.

اگر قرار است برای پروژه ی مربوط به مطالعه ی یک سد شما یک برنامه ی ششماهه یا یکساله را برای مکان یابی در نظر بگیرید میتوانید یکسال به عمر این بررسی اضافه کنید تا گروههای باستان شناس بتوانند منطقه ای را که زیرپوشش طرح جدید عمرانی قرار می گیرد از نقطه نظر شناسایی آثار باستانی بررسی کنند و با یافتن جایگاههای پراهمیت با مجریان طرح به تفاهم برسند تا که تغییراتی را در مکان مورد نظر بوجود بیاورند، تغییرات و جابجایی هائی که بتواند مانع نابودی آنها بشود و یا اگر در آخرین حد ممکن هیچ راه حلی برای این جابجایی ها موثر نباشد آن فرصت بدست بیاید تا آنها بتوانند در آن مکانها دست به کاوشهایی بزنند که براساس آن کاوشها بتوانند آن جایگاه باستانی را مورد شناسایی و مستند سازی قرار بدهند و آثار و ارزشهایش را از بعد موزه ای، از بعد تصویری، از بعد طرح و نقشه و گزارش ثبت و ضبط بکنند.

○ دویچه وله: آقای ورجاوند، این پرسش مطرح می تواند بشود که اگر فرض کنیم منظور از آثار گذشتگان یک امامزاده ای می بود، باز مقامات مسئول به این سادگی تصمیم می گرفتند؟

پرویز ورجاوند: متاسفانه این رفتار و عملکرد بد آقایان این ذهنیت را بوجود آورده است که حاکمیت با آثار باستانی سر ستیز دارد. از نظر من و هر کسی که به مسئله ی میراث فرهنگی ایران توجه دارد یک امامزاده هم بشرطی که از بعد آثار اثری گرانقدر باشد قابلیت حفظ دارد و از آن بعد مربوط به جنبه های اعتقادی جامعه هم، اهمیت دارد که حرمت آن نگه داشته بشود. من خواستم بگویم که مشکل بزرگی که ما در کشور داریم عبارت از اینست که آن کسانی که تصمیم گیرنده هستند و تامین اعتبار می کنند، اینها هنوز از یک شناخت و فرهنگ لازم در زمینه ی ارج گذاردن بر میراثهای فرهنگی این سرزمین و جایگاههای باستانی این مملکت برخوردار نیستند و بنابراین، با توجه به یک چنین ذهنیت منفی ای که در این گروه وجود دارد ما همیشه شاهد این هستیم که در موارد مختلف و به گونه های مختلف لطمه های سنگینی به جایگاهها و آثار باستانی و میراثهای فرهنگی ایران وارد آمده است و به اعتباری کمتر روزی است که خبر ناگواری در این زمینه از اینجا و آنجای این سرزمین کهنسال و پربار بگوش نرسد.

○ دویچه وله: آقای دکتر پرویز ورجاوند، از اینکه دعوت ما را به این مصاحبه پذیرفتید، از شما بسیار سپاسگزارم.